

ویروس کرونا و هدیه‌ی اسب کوچک

قرنطینه‌ی اجباری (که همه ما به نوعی آن را تجربه می‌کنیم) ارتباطی با داستان قدیمی دهقانان قرن چهاردهم دارد که از افراد بیمار و نجس دوری می‌کردند. ما نیز تماس‌مان با انسان‌ها قطع شده است. دست یکدیگر را دیگر نمی‌فشاریم و به جای آن آرنج‌ها را به هم می‌زنیم. شهرهایمان خالی شده‌اند، سوپر مارکت‌ها متروک مانده و جشنواره‌ها خالی از انسان‌ها است. خانواده‌ی من از اتفاق یازدهم سپتامبر، حادثه‌ی سیاه‌زخم، جنگ افغانستان، تیراندازی‌های سال ۲۰۰۲، طوفان آیرین و سندی، برف سنگین و دو زمین لرزه جان سالم به در بردند.

اما هیچ یک از آن رخدادهای آنچه را که همه‌گیری جهانی کوید-۱۹ به بار آورده است، در پی نداشتند: تمدن بشری با وقفه روبرو شده است.

اما من باور دارم در این میان برکتی نیز وجود دارد، همانند دخترکی که در کریسمس تپه‌ای از کود به هدیه گرفت و او خوشحال بود و جشن گرفت چراکه به گمان که با این تپه‌ی کود، که باید اسبی هم در کار باشد.

اکنون تپه‌ی بزرگی از کود در غالب همه‌گیری جهانی (با حضور این ویروس کرونا) به ما داده شده است. هزاران نفر مرده‌اند، هزاران تن دیگر نیز جان خود را از دست خواهند داد، بسیاری از زندگان فقیرتر خواهند شد و برای سالها وحشت زده خواهند زیست.

این هدیه اسب کوچک کجاست؟

عصر بت پرستی ما

من در مجاورت کامپیوتر و امکانات پزشکی بزرگ شده‌ام و هرگز از تلویزیون، یخچال، سوپرمارکت، ماشین و تلفن دور نبوده‌ام. فرزندانم حتی بیش از من با تکنولوژی، آسایش و ملزومات زندگی پسا-صنعتی اشباع شده‌اند. ابزارهای تمدن برای قدرت بخشیدن به ما بوجود آمده‌اند، تا بقای ما را مقرون به صرفه و راحت‌تر سازند. این‌ها چیزهای خوبی هستند و من خوشحال هستم که ما از همه‌ی این‌ها برخورداریم.

اما دست افزارها قدرت می‌بخشند و قدرت خطرناک است. وقتی ابزارهای بسیار قدرتمندی داریم که دائماً در اختیار ماست، این قدرت عادی می‌شوند. نزدیکی و دردسترس بودن فن آوری و راحتی باعث ایجاد نگرش خاصی می‌شود: فرض شکست ناپذیری، وجود پاسخ برای همه‌ی پرسش‌ها.

دستمال توالی تمام شده؟ آمازون برایمان می‌آورد. احساس ناخوشی داری؟ دکتر همینجاست و بیمه‌ی درمانی آماده‌ی پرداخت هزینه‌هاست. بابا ممکنه در انجام تکالیف مدرسه کمک کنی؟ از گوگل و سیری بپرس.

اگر یونانیان باستان به شهروندان پسامدرن نگاه می‌کردند ما را خدایان می‌خواندند.

تمدن، غرور به بار می‌آورد. این احساس شکست ناپذیری بر شیوه‌ی نگرش ما به خود، به دیگران، به دنیای واقعی و در نهایت به خدا تاثیر می‌گذارد. در ابتدا به آنفولانزا کمتر به یکدیگر نیاز داریم، به طبیعت به عنوان مشکلی برای حل کردن یا منبع بهره‌برداری می‌نگریم و اساساً به سختی به خدا فکر می‌کنیم. عیسی هشدار داد که برای ثروتمندان ورود به پادشاهی خدا دشوار است. زندگی در حباب تمدن مبتنی بر فناوری ما نمونه‌ای شگفت‌آور از ثروتی است که چشمانمان را نسبت به خدا نابینا ساخته است.

برای روشن‌تر بودن موضوع باید بگویم، تمدن بهتر از جایگزین آن است. منظور من این نیست که علم، تکنولوژی و راحتی مدرنیسم را پس بزنیم. بدون علم، این ویروس می‌توانست به مراتب وحشتناک‌تر باشد، و من کامپیوتری نمی‌داشتم تا افکارم را به رشته‌ی تحریر درآورم.

اما تمام چیزهای مفید می‌توانند تبدیل به بت شوند. دلیلی وجود دارد که بت پرستی نهایی در کتاب مقدس بصورت شهری ثروتمند و قدرتمند تصویر شده است. تمدن‌های بزرگ همیشه درگیر انباشته شدن قدرت و ثروت می‌شوند. آن‌ها همچون بابل، روم و واشنگتن حیرت‌انگیز هستند. آن‌ها بر خلاقیت و نبوغ خالقان انسانی خویش گواهی می‌دهند و بر خالق حقیقی هرچند بشکلی بسیار کم‌رنگ نیز اشاره دارند. مانند شهر بابل در پیدایش و مکاشفه، آنها غالباً تبدیل به مرکز توجه تحسین بت پرستانه‌ی ما می‌شوند، بویژه وقتی خودمان را با این باور می‌فریبیم که ما معماران آن‌ها هستیم.

هدیه‌ی کوید-۱۹

وقتی این شهرهای عظیم فرو می‌ریزند، آیا ما در میان ویرانه‌ها مایوس هستیم؟ ایتالیایی‌ها در قرنطینه آواز می‌خوانند و از بالکن‌ها ساز می‌نوازند تا یکدیگر را روحیه ببخشند، تا یک جامعه انسانی بسازند. قرنطینه به آن‌ها فرصتی داد تا به یکدیگر نیاز پیدا کنند. این کنسرت‌های کوچک فی‌البداهه، این سمفونی‌های محلی، تصویری‌ست از آنچه که مهیاست هنگامیکه تمدن ما را رها می‌کند. به‌جای ناامیدی در میان خرابه‌ها، ما آواز می‌خوانیم، پیاده روی می‌کنیم و با همسایه‌ها کباب درست می‌کنیم!

همانطور که سی.اس.لویس درباره‌ی زندگی با بمب اتم نوشت، «نخستین واکنش اینست که یکدیگر را دلگرمی دهیم» اگر قرار است با بمب بمیریم و یا در موقعیت کنونی ما در قرنطینه و یا آلوده به کرونا جان خود را از دست دهیم، پس بیائید وقتمان را با دعا، کار، تعلیم، مطالعه، گوش سپردن به موسیقی، حمام کردن بچه‌ها و غیره بگذرانیم، نه تجمع کردن همچون گوسفندان ترسیده و اندیشیدن به بمب، و یا ویروس.

کوید-۱۹ می‌تواند حقیقتی را به ما یادآور شود که در طول تاریخ بشر عادی بوده اما بصورت کاملاً عجیبی غیر عادی گذشته است: احساس اینکه زندگی شکننده است؛ عمل ساده‌ی محبت به همسایه اولین و آخرین وظیفه‌ایست که بعهده داریم؛ اینکه تمدن دست آوردی شکست پذیر است، و- کلید اینجاست - که این احساسات واقعی، خوب و عادی هستند. احساس امنیت کامل است که ناپجا، خطرناک و گمراه کننده است، نه برعکس آن.

اگر شما نیز در روزهای اخیر شبیه این احساسات را تجربه کرده‌اید - ترکیبی از ناخوشی، ترس، سپاسگزاری و اندکی هم نشاط - شما آن است را به عنوان هدیه - خود دریافت کرده‌اید. بخوبی از آن مراقبت کنید.

نوشته: PAUL D. MILLER

<https://www.thegospelcoalition.org/article/coronavirus-pony/> لینک مقاله اصلی به انگلیسی برگرفته از وب سایت گاسپل کولیشن: